

«عدالت اقتصادی» در قربانگاه اعتدال اقتصادی

سید محمد رضا رضی

تعیین همه ارزش‌ها و بایدها و نبایدها قرار می‌گیرد. در عرصه اقتصاد، اومانیزم به «سرمایه‌داری» یا «کاپیتالیسم» تأویل و ترجمه می‌گردد. فلاسفه اقتصادی که مأموریت استخراج اقتصاد مکتب اومانیزم را برعهده دارند، به دستاوردهای جدید و کم‌تر شنیده‌شده‌ای می‌رسند. در نگاه فلاسفه‌ای چون «آدام اسمیت»، «بنتام»، «ریکاردو» و ...، «انسان اقتصادی» موجودی منفعت‌طلب و خودخواه است که تنها به یک چیز می‌اندیشد: «حداکثرسازی مطلوبیت شخصی». در کمال تعجب و ناباوری اصلی جدید اما مغالطه‌گون سرتاسر نظریات اقتصادی را دربر می‌گیرد: «خودخواهی و منفعت‌طلبی فردی، خیر و منفعت اجتماعی را به دنبال می‌آورد». با این توضیح که طبیعت انسان، منفعت‌طلب است و نباید هیچ چیزی او را از این طبیعت بازدارد چراکه طبیعت کار خود را به درستی انجام می‌دهد و نهایتاً به نظم و هماهنگی منجر می‌شود. بنابراین نباید جلوی طبیعت بشری را گرفت و باید او را در پی‌جویی منافع شخصی، «آزاد» گذاشت. دقیقاً از همین‌جاست که «آزادی» و «لیبرالیسم» اقتصادی سر برمی‌آورد و تمایلات انسان یا همان «حیوان مدرن» متولد شده از رنسانس، محوریت می‌یابد.

حال که اصیل‌ترین و اساسی‌ترین اصل اندیشه تمدن مدرن و نظام اقتصادی آن تولد یافته است، دیگر مسئله‌ای با عنوان بایدها، حقیقت‌ها و نظام‌سازی براساس آن یا همان عدالت مطرح نخواهد بود و هرچه انسان‌ها و عاملان اقتصادی آن را تشخیص و انجام دهند، خود عین حقیقت و عدالت است. هرجا که تصمیمات و رفتارهای عوامل اقتصادی با یکدیگر هماهنگ و به اصطلاح «متعادل» شود، نقطه بهینه برای اقتصاد همان‌جاست. «نقطه تعادلی» همان نقطه طلایی است و این «اعتدال اقتصادی» است که جایگزین «عدالت اقتصادی» می‌گردد. دیگر مهم نیست که قیمت و شرایط عادلانه در اقتصاد کدام باشد. فیلسوفان اومانیزم سرمایه‌دار در بحث از نظریه ارزش‌ها، تعادل عرضه و تقاضا را به عنوان پاسخی نهایی مطرح می‌سازند و بدین‌سان با تنزل و تحول ارزش عادلانه به ارزش تعادلی، پایان مباحث نظری گذشته را اعلام می‌دارند. بعدها اقتصاددانان روش ریاضی را در اقتصاد تأسیس می‌نمایند، و ما نیز تا امروز میراث‌دار همین رویکرد هستیم.

این روزها که گفتمان جدید «اعتدال» به عنوان ادبیات حاکم بر اندیشه و رفتار جریان عهده‌دار مدیریت اجرایی کشور معرفی شده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این یک گفتمان واقعاً جدید است؟ و یا مانند بسیاری از آرمان‌ها و واژه‌پردازی‌های جریان روشنفکری غریزه در کشور، ریشه در افکار جریان‌ات فلسفی غربی دارد. هر چند می‌توان معانی درستی برای اعتدال آن هم در زمینه اقتصاد، در نظر گرفت اما باید به بررسی سابقه و جریان‌شناسی گفتمان اعتدال و سیر تاریخی آن، دست کم در علم اقتصاد که موضوع این نوشتار است، بپردازیم تا با معناشناسی صحیح از اعتدال اقتصادی مورد نظر دولت تدبیر و امید، نحوه تعامل با آن مشخص شود. تا پیش از رنسانس، یکی از مهمترین سؤالات پیش‌روی فلاسفه اقتصاد این است که معنای عادلانه بودن اقتصاد چیست؟ توزیع عادلانه چگونه است؟ قیمت عادلانه کدام است؟ و.... برای پاسخ به «مسئله عدالت» تلاش‌هایی صورت گرفت. به‌ویژه در مورد سؤال آخر بحث‌های فراوانی میان متخصصان به وجود آمد و کشمکش‌های نظری زیادی با عنوان «نظریه ارزش‌ها» آغاز شد. دانشمندان که بیشتر از کشیشان مسیحی و اساتید مکتب اسکولاستیک بودند، از منظر خود به مسئله ارزش نگاه می‌کردند و همگی در پی یافتن پاسخ برای این پرسش‌ها بودند که: قیمت و ارزش واقعی یک کالا یا خدمت چگونه باید تعیین شود؟ ارزش و قیمت حقیقی کدام است؟ اگر بخواهیم ارزش و قیمت را براساس عدالت تعیین نماییم، باید چه کنیم؟ اساساً قیمت عادلانه چگونه تعیین می‌گردد؟

اما کم‌کم تغییرات جدیدی در جامعه غربی‌ها در حال رخ دادن است. انسان غربی آرام‌آرام از آسمان فاصله گرفته و به زمین می‌چسبد. با ثروتمند شدن تدریجی مردم و ظهور طبقه بورژوا، دنیاطلبی و مادی‌گرایی به ارزش‌های رایج تبدیل می‌شود و هوای نفس، خود را یک‌ه‌تاز مدیریت بشری می‌بیند. این بستر، دوباره ارزش‌های جاهلی روم و یونان باستان را به عرصه باز می‌گرداند و انقلاب تجدید حیات اروپاییان یا همان رنسانس را خلق می‌کند. «انسان خدایی» یا «اومانیزم» به عنوان مهمترین مکتب حاکم بر اندیشه بشر غربی، تمدنی منحط و بنا شده در برابر ربوبیت الهی را به‌وجود می‌آورد و انسان را به عنوان خدای جدید عالم منصوب می‌نماید. از این پس خواسته‌ها و تمایلات خداخوانده جدید است که ملاک



هرجا که تصمیمات و رفتارهای

عوامل اقتصادی با یکدیگر

هماهنگ و به اصطلاح

«متعادل» شود، نقطه بهینه

برای اقتصاد همان‌جاست.

«نقطه تعادلی» همان نقطه

طلایی است و این «اعتدال

اقتصادی» است که جایگزین

«عدالت اقتصادی» می‌گردد.

دیگر مهم نیست که قیمت و

شرایط عادلانه در اقتصاد کدام

است، بلکه از این پس باید در

جستجوی نقطه تعادلی باشیم

که اقتصاد در آن، در حالت

تعادل و اعتدال باشد.



به این مبانی فلسفی، رنگ و بوی ریاضی داده و آن را در قالب انواع فرمول‌ها، معادلات و نمودارهای هندسی به نمایش در می‌آورند.

بدین‌سان نظریات اقتصادی از مدار عدالت به مدار اعتدال و تعادل سقوط می‌نماید و حقیقت‌ها، واقعیت‌ها، ارزش‌های معنوی و اصول، جای خود را به تعادل میان خواسته‌های انسانی می‌دهند. با تعقیب روند آزاد رقابت، اغیا و مستکبرین، برندگان اغلب رقابت‌ها می‌شوند و کم‌کم میلیون‌ها انسان بی‌گناه، از بازی آزاد رقابت اقتصادی به زیر خط فقر رانده می‌شوند. این‌چنین، نه در مقام نظر که در عرصه عمل نیز عدالت قربانی اعتدال می‌گردد. قربانگاهی که در آن، جنبش‌هایی چون جنبش نودونه درصدی تسخیر وال استریت، حاصل غلبان خون مظلومانه عدالت در زیر تیغ‌های تعادل و اعتدال به‌شمار می‌روند.

آیا دولت تدبیر و امید معنای دیگری برای اعتدال اقتصادی در نظر گرفته است؟ آیا دولت تدبیر و امید، خود، این گفتمان را تأسیس نموده است و یا وامدار دیگران و بیگانگان، بلکه دشمنان است؟ آیا گفتمان اعتدال، درست یا نادرست، محصول اتاق‌های فکر ملی و بومی خود ماست و یا توسط اتاق‌های ترجمه و غربی‌سازی علوم انسانی، روی میز قرار گرفته است؟

آیا تراژدی تلخ عدول از عدالت به اعتدال در جامعه ما نیز تکرار خواهد شد؟ آیا این اندیشه‌ها که به دست خود غربی‌ها در قرون متأخر منسوخ شده است، در جامعه ما زنده خواهد شد؟ آیا روند غلطی که از اسمیت تا کارگزاران سازندگی دنبال شده بود، دوباره در لباس اعتدال از سر گرفته خواهد شد؟ آیا سرمایه‌سالاری اعتدال‌بنیاد، همزمان با افول در کف خیابان‌های وال استریت، در اتاق‌های ترجمه جریان خودروشنفکرپندار ایران و رسانه‌های زنجیره‌ای آن طلوع خواهد کرد؟ آیا اعتدال، همان لباس خوشدوخت ولی مُندرسی است که بر قامت سرمایه‌داری التقاطی نوین، جامه می‌پوشاند؟ اگر

خدای ناکرده، اعتدال معنا و مفهوم جدیدی نداشته باشد و سیاست‌های اقتصاد سرمایه‌سالاری اعتدال‌بنیاد در کشور پیاده شود، تضمینی برای پانگرفتن شورش‌های اجتماعی ناشی از نابرابری‌های اقتصادی وجود خواهد داشت؟ آیا «سیاست‌های تعدیل اقتصادی» دوباره در کشور تکرار خواهد شد؟ و آیا خاطره تلخ استفاده از باتوم و کلاهخود در کنترل شورش‌های اجتماعی ناشی از فقر و نابرابری حاصل از سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت کارگزاران سازندگی دوباره تکرار خواهد شد؟

پاسخ همه این سؤالات با به سخن آمدن متفکران گفتمان اعتدال و گذشت زمان روشن‌تر خواهد شد و البته به نگاه عمیق و همت حوزه‌های علمیه و جوامع دانشگاهی ما نیز بستگی خواهد داشت.

پی‌نوشت

۱. Utility maximization

آیا تراژدی تلخ عدول از عدالت به اعتدال در جامعه ما نیز تکرار خواهد شد؟ آیا این اندیشه‌ها که به دست خود غربی‌ها در قرون متأخر منسوخ شده است، در جامعه ما زنده خواهد شد؟ آیا روند غلطی که از اسمیت تا کارگزاران سازندگی دنبال شده بود، دوباره در لباس اعتدال از سر گرفته خواهد شد؟ آیا سرمایه‌سالاری اعتدال‌بنیاد، همزمان با افول در کف خیابان‌های وال استریت، در اتاق‌های ترجمه جریان خودروشنفکرپندار ایران و رسانه‌های زنجیره‌ای آن طلوع خواهد کرد؟